

چشم انداز بهبود اقتصاد جهانی*

مؤلفین: گونتر گروبر و گونتر وایز
مترجم: وحید بزرگی

رشد بوده اند، این امر تا حدودی ناشی از دستیابی به پیشرفت زیاد، در حل و فصل مسئله بدهیها در بخش خصوصی بوده است؛ یعنی مسئله‌ای که پس از وجود مازادهای دهه ۱۹۸۰، آمادگی بخش خصوصی برای قرض دادن و گرفتن را محدود ساخت. یکی از عوامل محرک عمده، بخصوص در ایالات متحده، وجود انگیزه پولی پایدار در اثر پایین بودن نرخهای بهره بوده است. برعکس، در ژاپن، تحولات منفی در بخش مالی، چنان شدید بوده که حتی سیاستهای پولی انبساطی (نرخ بهره بانکی در مه سپتامبر به ۱/۷۵ درصد کاهش یافت) هم نتوانسته است وضع مذکور را جبران کند. پیشرفت در راستای بهبود اوضاع اقتصادی که در فصل بهار مشهود بود، به وسیله افزایش شدید ارزش

اقتصاد جهانی در سال ۱۹۹۳ همچون سالهای گذشته، شاهد تحولات ناهمگون و گاه متضادی بوده است. تولید کل پاره‌ای از کشورهای آسیا و آمریکای جنوبی از ۴ تا ۸ درصد و حتی بیش از آن در کشور چین افزایش یافت. در مقابل، افول اکثر کشورهای اروپای مرکزی و شرقی (بخصوص CIS) ادامه یافت. با این حال، کلاً اکثر کشورهای صنعتی، دستخوش رکود بودند. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی آنها کمتر از ۱٪ یعنی حتی کمتر از سال ۱۹۹۲ بود. در حالی که تولید ایالات متحده، کانادا و بریتانیا افزایش شدیدی داشت، ولی تولید ژاپن و کشورهای قاره اروپا چندان تغییری نیافت و استفاده از ظرفیت تولیدی فقط در آمریکای شمالی افزایش داشت. در کشورهای صنعتی که مجدداً شاهد

World Economy Taking a Turn for the Better می‌باشد

* ترجمه از مقاله‌ای تحت عنوان:

INTERECONOMICS (شماره ژانویه - فوریه ۱۹۹۴) از صفحات ۴۹ الی ۵۲ به چاپ رسیده است. که در نشریه

ین و کاهش مدت رقابت بین‌المللی متوقف شد. در اکثر کشورهای قاره اروپا - بجز اسکاتلندیناوی - مسئله بدهیهای بخش خصوصی، نقش زیادی نداشته است. با وجود این انبساط پولی در اینجا تنها هنگامی صورت گرفت که آلمان در پاییز ۱۹۹۲ سیاست پولی خود را تغییر داد.

یکی از مشکلات عمده اولیه، آشفتگی مکرر در بازار ارز بود. تنها پس از اصلاحات اساسی در نرخهای مبادله ارز و افزایش شدید حدمجاز تغییر نرخهای ارز در نظام پولی اروپا (EMS) در اوایل ماه اوت بود که انبساط پولی آشکار همراه با کاهش کلی نرخهای بهره میسر گشت.

سیاستهای مالی سال گذشته زمینه افزایش تقاضا در اکثر کشورهای صنعتی را فراهم نمود. در کشورهای اروپای غربی هم، که بسیاری از دولتهای آنها برنامه‌های تثبیت میان مدتی را برای کاهش کسریهای شدید اتخاذ کردند، به خاطر رکود اقتصادی به افزایش کسری بودجه در کل تن دادند، که البته در این زمینه بین کشورها تفاوت زیادی وجود داشت. با این حال، فقط دولت ژاپن بود که به افزایش شدید تقاضا به وسیله انگیزه‌های مالی امیدوار بود. ژاپن به لحاظ انباشت سرمایه در بخش تأمین اجتماعی تا سال ۱۹۹۲، به مازاد بودجه، دست یافت. از طرف دیگر در ایالات متحده، حتی قبل از اتخاذ برنامه تثبیت میان

مدت، سیاستهای مالی، نقش محدودکننده‌ای داشتند. کسری بودجه ایالات متحده در سال ۱۹۹۳ کاهش بسیاری نسبت به گذشته یافت که این به دلیل، بهبود اوضاع اقتصادی و حداقل به لحاظ کاهش هزینه‌های نظامی بود.

روندهای بازار کار

روندهای اقتصادی متفاوت کشورهای صنعتی در سال گذشته، روی بازار کار هم تأثیر گذاشتند. تنها در ایالات متحده، کانادا، و اخیراً در بریتانیا میزان اشتغال افزایش یافته و بیکاری کاهش کمی داشته است. البته، در کانادا و بریتانیا بیکاری، هنوز هم در سطح کشورهای قاره اروپا بالاست، یعنی کشورهایی که در آنها به دلیل کاهش شدید اشتغال، درصد بیکاری تا اواخر سال گذشته به ۱۱ درصد افزایش یافت. این رقم ۳ درصد بیشتر از ارقام زمان رکود سه ساله است. در مقابل، در ژاپن کاهش عمده در ساعات کار، بوجود آمده و این کشور شاهد سکون اشتغال کل و افزایش کمی در بیکاری از یک سطح خیلی پائینی بوده است. با این حال، معیارهای آماری ژاپن، احتمالاً این وضعیت را تعدیل خواهند کرد. با اوضاع نامساعد بازار کار، روند افزایش دستمزدها روی هم رفته، کندتر شده است. در کشورهای صنعتی،

افزایش شدید ارزش ین نسبت داد. از طرف دیگر در برخی از کشورهای اروپای غربی هم عوامل یا نیروهای تثبیت کننده، کمابیش روندهای تورمی ناشی از کاهش ارزش پول را خنثی کردند.

عوامل بی ثباتی

اکنون به لحاظ بهبود فزاینده وضع ایالات متحده، روی هم رفته چشم انداز جهانی، نویدبخش تر است. ولی از طرف دیگر بخصوص در ژاپن- هنوز مخاطرات آشکاری وجود دارد. در این زمینه می توان به دو عامل عمده، یکی فشاری که در اثر زیانهای ناشی از افول شدید قیمت های مستغلات و سهام به بانکها وارد شده است و دیگری فرآیندهای گسترده و غیرقابل پیش بینی تعدیل، به دنبال افزایش سریع ارزش ین اشاره کرد. عوامل ساختاری در رکود فعالیتهای اقتصادی در اروپای غربی به مراتب نقش کمتری داشته اند. اکنون که آشفستگی پولی و در نتیجه بی اطمینانی، نسبت به تغییرات نرخ بهره و ارز کاهش یافته است، بهبود اوضاع اقتصادی، به طور اخص به انبساط پولی مداوم، بستگی دارد. یکی از عوامل بی ثباتی، کماکان نگرانی در مورد چگونگی فایق آمدن بر مشکلات مالی شدید اکثر کشورها به وسیله سیاستهای مالی است.

دستمزدهای ساعتی در صنایع، طبق آخرین محاسبات به طور متوسط تنها حدود ۳ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته است. حتی در کشورهایی چون ایتالیا و بریتانیا که به مدت طولانی شاهد افزایش نسبتاً زیادی در دستمزدها بوده اند، برغم کاهش شدید ارزش لیره و پوند، افزایش دستمزدها چندان بیشتر نبوده است. هرچند رشد بهره وری در بسیاری از موارد، در اثر رکود، کاهش یافته، ولی این امر به وسیله تلاشهای شدید مؤسسات اقتصادی برای کاهش هزینه ها (که عمدتاً منجر به افزایش محسوس آهسته تر هزینه های واحد کار شده است) جبران شده است.

تعدیل روند افزایش هزینه های داخلی در سال ۱۹۹۳ با کاهش شدید قیمت مواد خام همراه بود: براساس دلار، متوسط قیمت نفت خام بیش از ۱۰ درصد و قیمت مواد خام صنعتی ۱۴ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافت. به علاوه، از آنجا که استفاده از ظرفیت تولید، عمدتاً تا حد زیادی کاهش یافت، رقابت شدیدی به وجود آمد و روند افزایش قیمتها در بسیاری از موارد کندتر شد. میانگین رشد هزینه زندگی در مقایسه با سال قبل، افول کرد و آخرین سطح آن به ۲/۵ درصد یا همان سطح پائین سال ۱۹۸۶ رسید؛ یعنی سالی که قیمت های نفت شدیداً کاهش یافت. ثبات واقعی قیمتها در ژاپن را صرف نظر از عوامل دوره ای، می توان به

در این اوضاع و احوال، کشورهای صنعتی باید با افزایش اطمینان نسبت به بهبود شرایط، برای رشد بکوشند تا با عوامل بازدارنده مقابله کنند. این علت عمده اتخاذ اقداماتی برای کاهش کسری بودجه ساختاری دولت، حتی قبل از استفاده رضایتبخش از ظرفیت کل اقتصادی بوده است. کاهش تقاضاهای سرمایه‌ای دولتی و کاهش قبول خطر (ریسک) در سیاست مالی برای کمک به پایین آوردن نرخهای بهره اعمال شده است. در ایالات متحده، برنامه تثبیت میان مدت باعث کاهش مجدد و شدید کسری بودجه، بخصوص در سال ۱۹۹۴ خواهد شد. با این حال، پیش‌بینیها، فقط حاکی از پیشرفتهای کمی در سالهای آینده هستند. به علاوه، هنوز تردید زیادی در مورد امکان انطباق اصلاحات بهداشتی (که از قبل در جریان بوده است) با پارامترهای بودجه برنامه ریزی شده وجود دارد. علائمی وجود دارند که فشارهای مالی، مستلزم کمکهای بیشتر مؤسسات اقتصادی هستند و این نیز رشد اقتصادی بیشتر، به وسیله سیاست تثبیت را محدود می‌سازد.

کاهش کسریهای مالی

اکثر کشورهای اروپای غربی، همچنین به تلاشهای خود برای کاهش کسریهای

بودجه شدت بخشیده‌اند. در بریتانیا، این امر همراه با تسریع رشد اقتصادی صورت گرفته است. برنامه‌ریزی در برخی از کشورهای دیگر هم، متوجه کاهش کسری بودجه در سال ۱۹۹۴ بوده که در بسیاری از موارد این امر از طریق افزایش مالیاتها، عوارض و غیره انجام گرفته است. هرچند تحقق کامل برآوردهای مختلف کمابیش جای تردید دارد، ولی مکانیسمهای خودکار تثبیت مالی در اروپای غربی، احتمالاً در سال جاری به طور کامل عمل نخواهند کرد. تنها کشور صنعتی عمده‌ای که در آن، دولت، سیاست افزایش تقاضا را دنبال خواهد کرد، به احتمال قوی بازمه ژاپن است، که در این کشور کسریهای منطقه‌ای و محلی در اثر افزایش شدید تقاضای دولتی، بازمه تا حد زیادی در سال جاری علی‌رغم وجود مازادهای بسیار در بخش تأمین اجتماعی باعث کسری بودجه کل دولتی خواهند گردید.

سیاست تثبیت مالی کشورهای صنعتی، با افزایش انتظارات کاهش در نرخهای بهره، کار بانکهای مرکزی در دستیابی به ثبات و رشد را آسان خواهد کرد. اگرچه انتظار می‌رود بانک مرکزی آمریکا در مقابل شتاب اقتصادی مداوم به سرعت اهرمهای پولی را مهار کند تا عزم خود را در مقابله سریع با تورم نشان دهد، ولی نرخهای تنزیل پائین کنونی، احتمالاً در ابتدا

فقط با آهنگ کندی افزایش خواهند یافت،
خاصه به این دلیل که تغییر در اختلاف نرخ
بهره در مقایسه با داراییهای مالی به سایر
ارزها، به افزایش ارزش دلار و ثبات
بیشتری منجر می‌گردد.

تأثیر انگیزه‌های پولی

بانکهای مرکزی، در اکثر دیگر
کشورهای صنعتی تحولات ایالات متحده را
به سرعت دنبال نخواهند کرد، که دلیل این
امر حداقل آن است که اقتصاد این کشورها
از قوام و سلامت بسیار کمتری برخوردار
است؛ برای مثال، سیاست پولی ژاپن برای
افزایش تقاضا، روی افزایش انگیزه قرض و
وام دادن به وسیله پایین نگاه داشتن نرخهای
بهره، و روی انبساط پولی، متمرکز خواهد
بود که تا این موقع ضعیف بوده است. اگر
این امر باعث کاهش نرخ مبادله یں شود،
قطعاً پس از افزایش شدید ارزش یں در
گذشته، امر سودمندی خواهد بود، بخصوص
که با توجه به کاهش مداوم استفاده از منابع،
هیچ خطر عاجلی تثبیت قیمتها را تهدید
نمی‌کند.

تا این اواخر کشورهای اروپای غربی،
نسبت به ایالات متحده بیشترین تأخیر را در
زمینه سیاست‌گذاری پولی داشته‌اند. کنترل
پولی به وسیله بانک مرکزی آلمان - حتی
پس از افزایش شدید سقف نوسان نرخهای

ارز در نظام پولی اروپا - امسال باز هم
کاهش خواهد یافت، خاصه آنکه هزینه‌ها
و قیمتها عمدتاً بالا رفته‌اند. اکنون در شمار
فزاینده‌ای از کشورها نرخ بهره کوتاه مدت،
احتمالاً کمتر از نرخ بلندمدت خواهد شد و
این امر انگیزه‌های سرمایه‌گذاران و
مصرف‌کنندگان را افزایش خواهد داد.

در شرایط تأثیر متقابل عوامل ساختاری
و عوامل مربوط به سیاست‌گذاری اقتصادی،
انگیزه‌های پول، احتمالاً امسال روی
کشورهای صنعتی تأثیر بیشتری خواهند
داشت. در ایالات متحده که این انگیزه‌ها
برای مدتی فعال بوده‌اند، حتی اگر نرخهای
بهره، کمی بالاتر هم بروند، باز
سرمایه‌گذاری روی کالاهای سرمایه‌ای
مطلوبیت خود را حفظ خواهد کرد. از این
گذشته، به دلیل افزایش اشتغال و درآمد،
احتمالاً مصرف خصوصی افزایش و از
طرف دیگر، تقاضای واقعی دولت،
همچنان کاهش خواهد یافت. عوامل
بازدارنده، کماکان روی مبادله کالا و
خدمات تأثیر خواهند گذاشت (گرچه با
شدتی کمتر از گذشته)؛ زیرا با ارتقای بهبود
اقتصادی، به احتمال قوی صادرات به
بازارهای خارجی عمده افزایش خواهد
یافت. روی هم رفته، در سال ۱۹۹۴، تولید
ناخالص داخلی در ایالات متحده، سریعاً
افزایش خواهد یافت و نرخ رشد آن
(احتمالاً ۳ درصد که خوب است) کمی

بیشتر از سال قبل خواهد بود.

در ژاپن هنوز این مسئله مطرح است که در چه زمانی، انگیزه‌های گسترده سیاست اقتصادی بر تلاشهای تثبیت کننده و تأخیر انداز بانکها، مؤسسات اقتصادی، و خانوارها فایز خواهند آمد. پس از به اوج رسیدن ارزش خارجی ین در تابستان گذشته، حداقل امسال آثار شوک نرخ ارز، با سرعت کمتری تعدیل خواهد شد. تجربه نشان می‌دهد که بهبود پایدارتر و بیشتر ایالات متحده، شرایط اقتصادی ژاپن را هم بهبود خواهد بخشید. برخلاف این امر، به دلایلی می‌توان گفت که تقاضا در ژاپن تدریجی افزایش خواهد یافت. با وجود این، تولید ناخالص واقعی ژاپن در سال ۱۹۹۴ نسبت به سال گذشته بیش از یک درصد (ولو کمی بالاتر از نرخ جاری) افزایش نخواهد یافت.

اکنون که نوسان و آشفتگی پولی، فروکش کرده است، کشورهای اروپای غربی مجدداً از نظر اقتصادی رشد خواهند کرد. تسهیل پولی مستمر از پاییز ۱۹۹۲ به بعد و کاهش مشهود نرخهای بهره بلندمدت در درجه اول، به طور فزاینده‌ای رکود را از میان خواهد برد. پس از کاهش شدید منافع حاصل از داراییهای مالی، سرمایه‌گذاری، مجدداً جذابیت خود را به دست آورده، خاصه به این دلیل که بسیاری از مؤسسات اقتصادی در کاهش هزینه، پیشرفت زیادی

کرده‌اند. با افزایش ارزش دلار و ین، قدرت رقابت این کشورها (اروپای غربی) در مقابل ژاپن و کشورهای حوزه دلار بسیار افزایش یافته است. در عین حال، تقاضا برای خانه‌سازی، در اثر پایین بودن نرخهای بهره افزایش خواهد یافت. بنابراین، به احتمال قوی تقاضای کل در اکثر کشورهای اروپای غربی، در ابتدا با آهنگ آهسته‌ای افزایش یافته و سپس به تدریج آهنگ تندتری به خود خواهد گرفت. تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۹۴ احتمالاً به طور متوسط ۱/۵ درصد نسبت به سال قبل رشد خواهد داشت و تنها در بریتانیا و نروژ شاهد نشانه‌هایی از بالاتر بودن شدید نرخ رشد هستیم.

احیای تجارت جهانی

تجارت جهانی که در سال گذشته عمدتاً به دلیل افزایش قابل ملاحظه واردات آمریکای شمالی و اقتصادهای نوظهور جنوب شرقی آسیا، گسترش یافته بود، اکنون به تدریج به وسیله اروپای غربی، نسبتاً جان می‌گیرد. پس از آنکه واردات کشورهای اروپای غربی، در اوایل سال ۱۹۹۳ به دلیل رکود، بسیار کاهش یافت، اکنون به روشنی شاهد بهبود هستیم که با رونق اقتصادی تدریجی، همچنان ادامه خواهد یافت. به طور کلی، رشد تجارت

جهانی در سال ۱۹۹۴ باید به حدود ۵ درصد برسد، و این در حالی است که این رقم در سال گذشته تقریباً ۳ درصد بوده است. با وجود این، تنها کشورهای صنعتی در این رشد اقتصادی سهم نخواهند بود، بلکه داد و ستد کالا بین کشورهای در حال توسعه نیز بیش از حد تناسب افزایش خواهد یافت. احیای احتمالی فعالیتهای اقتصادی در سطح جهانی، عمدتاً حاصل انگیزه های پولی جهانی خواهد بود. با این حال، پیش بینی رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای صنعتی به میزان حدود ۲ درصد در سال ۱۹۹۴ (کمی بیش از نرخ جاری) برای افزایش مجدد استفاده از ظرفیت

اقتصادی کلی و کاهش قابل توجه بیکاری کافی به نظر نمی رسد. این امر به وسیله یک انبساط اقتصادی سریعتر و بالاتر از همه، پایدار و میسر خواهد بود. مهار افزایش هزینه ها و قیمت ها در سطح جهانی بدون شک عامل مؤثری است، ولی شرایط رشد اقتصادی نیازمند بهبود، بویژه در بودجه دولتی متعادلتر و کاهش مقررات از بازارهای کالاها و عوامل نیز می باشد. پایان موفقیت آمیز دور مذاکرات گات در ماه گذشته و چشم انداز روشنتر بهبود تقسیم کار بین المللی در سالهای آینده به فائق آمدن به این مقصود، کمک بزرگی خواهد کرد.



شاخصهای اقتصادی

تولید ناخالص داخلی واقعی (تغییرات سالانه به درصد)				
۱۹۹۴ پ	۱۹۹۳ پ	۱۹۹۲	۱۹۸۳ تا ۱۹۹۱ الف	
۳	۲/۸	۲/۶	۲/۷	ایالات متحده آمریکا
۳/۵	۲/۵	۰/۷	۲/۹	کانادا
۱	۰	۱/۳	۴/۴	ژاپن
۱/۵	-۰/۳	-۰/۸	۲/۶	اروپای غربی ^۳
۱/۵	-۰/۵	۱/۶	۲/۷	اتریش
۰/۵	-۱/۵	۰/۵	۲/۳	بلژیک
۱/۵	-۱	۱/۲	۲/۲	دانمارک
۱	-۲/۵	-۴	۲/۲	فنلاند
۱	-۰/۵	۱/۴	۲/۲	فرانسه
۱/۵	-۱/۳	۱/۶	۲/۹	جمهوری دمکراتیک آلمان ^۵
۳	۲/۵	۴/۸	۳/۷	ایرلند
۱/۵	۰	۰/۹	۲/۶	ایتالیا
۱	۰	۱/۴	۲/۶	هلند
۲/۵	۱/۵	۳/۳	۲/۸	نروژ
۱	-۱	۰/۸	۳/۴	اسپانیا
۱/۵	-۲	-۱/۹	۱/۶	سوئد
۱/۵	-۰/۵	-۰/۱	۲/۳	سوئیس
۲/۵	۲	-۰/۵	۲/۶	بریتانیا
۲	۰/۹	۱/۵	۳	کل کشورهای عضو OECD

شماره ۱۳ از مجله علمی و مطالعات فرسنگی

- ۱- ارزش خارجی ارزها براساس سهم در تجارت بین الملل
 - ۲- براساس درصد کل نیروی کار و بیکار؛ اکثرأ براساس ارقام OECD
 - ۳- کل کشورهای نامبرده براساس تولید ناخالص داخلی واقعی یا مصرف خصوصی در سال ۱۹۹۱
 - ۴- تولید ناخالص داخلی تا سال ۱۹۹۱، قیمت‌های مصرفی و بیکاری: آلمان غربی
- الف - میانگین تغییرات سالانه
- ب - تا حدودی تخمینی
- پ - پیش‌بینی؛ داده‌های مربوط به کشورها گرد شده اند
- ت - تا حدودی تخمینی
- منابع: OECD؛ بانک مرکزی آلمان؛ سایر آمارهای ملی؛ برآوردها و پیش‌بینیهای موجود.

World Economy Taking a Turn for the Better

شاخصهای اقتصادی

نرخهای بیکاری میانگین سالانه		نرخهای ارز تغییر در عرض ۱۲ ماه به درصد		قیمتهای مصرفی تغییرات سالانه به درصد			
۱۹۹۳	۱۹۹۲	دسامبر ۱۹۹۳	دسامبر ۱۹۹۲	پ ۱۹۹۴	ب ۱۹۹۳	ب ۱۹۹۲	۱۹۸۳ تا ۱۹۹۱ الف
۶/۸	۷/۳	۱/۴	۴/۵	۳	۳	۳	۳/۹
۱۱/۲	۱۱/۲	-۴/۲	-۹/۶	۲	۲	۱/۵	۴/۷
۲/۵	۲/۲	۱۸/۴	۷/۱	۰/۵	۱/۳	۱/۷	۱/۸
۱۰/۶	۹/۳	-	-	۲/۹	۳/۲	۳/۸	۴/۹
۶	۵/۲	-۰/۶	۳/۱	۳	۳/۵	۴/۱	۲/۹
۹/۲	۷/۹	-۲/۶	۳/۴	۲/۵	۲/۷	۲/۴	۳/۶
۱۲/۳	۱۱/۳	-۱/۶	۵/۸	۱/۵	۱/۳	۲/۱	۴/۴
۱۷/۷	۱۳	-۴/۳	-۱۲/۳	۳	۲/۳	۲/۹	۵/۶
۱۱/۵	۱۰/۳	-۱	۴/۷	۲	۲	۲/۴	۴/۶
۷/۴	۵/۹	-۱/۵	۴/۶	۳	۴/۲	۴	۲
۱۶/۸	۱۶/۱	-۱۰/۳	۵/۷	۲/۵	۱/۵	۳/۱	۴/۹
۱۰	۱۰/۵	-۱۱/۷	-۱۳/۵	۴	۴/۵	۵/۲	۷/۶
۸/۴	۶/۸	-۰/۷	۳/۷	۲/۵	۲/۱	۳/۷	۱/۸
۶/۱	۵/۹	-۲/۵	-۱/۱	۲	۲/۳	۲/۳	۶/۱
۲۲/۴	۱۸/۱	-۱۴/۳	-۷/۷	۴/۵	۴/۵	۵/۹	۷/۸
۸/۳	۴/۸	-۱۲/۵	-۱۲/۸	۳	۴/۵	۲/۳	۷/۲
۴/۵	۲/۵	۳/۶	۲/۱	۲	۳/۳	۴	۳/۱
۱۰/۳	۹/۹	۲	-۱۲	۲/۵	۱/۵	۳/۷	۵/۷
۷/۸	۷/۵	-	-	۲/۵	۲/۷	۳	۳/۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

شاخص مؤسسه تحقیقات هامبورگ برای قیمت‌های مواد خام در بازار جهانی^۱ (۱۹۷۵ - ۱۰۰)

۱۹۹۴		۱۹۹۳				۱۹۹۲		مواد خام
۱/۲۱	۱/۷	دسامبر	نوامبر	اکتبر	AA ^۲	دسامبر	AA ^۲	
۱۳۰	۱۳۱/۹	۱۲۶/۹	۱۳۵/۶	۱۴۲/۱	۱۴۴/۳	۱۵۱/۹	۱۶۰/۱	شاخص کل
۱۲۵/۲	۱۲۳/۲	۱۲۱/۸	۱۱۸/۳	۱۱۷	۱۲۰	۱۲۴/۹	۱۳۲/۱	کل، بجز مواد خام انرژی‌زا
۹۸/۲	۱۰۰/۶	۹۹/۷	۹۶/۵	۹۳/۲	۹۱/۴	۸۸/۳	۸۸/۶	مواد غذایی، نوشابه‌های گرم‌سیری
۱۴۵/۸	۱۴۰/۴	۱۳۸/۶	۱۳۴/۸	۱۳۵/۲	۱۴۱/۷	۱۵۲/۹	۱۶۵/۲	مواد خام صنعتی
۱۴۸/۱	۱۴۱/۶	۱۳۸/۲	۱۳۴/۹	۱۳۵/۴	۱۴۰/۹	۱۵۴/۹	۱۶۹/۸	مواد خام کشاورزی
۱۴۵/۲	۱۳۷/۵	۱۳۶/۳	۱۲۹/۳	۱۲۹/۸	۱۴۵	۱۶۲/۸	۱۷۲/۳	فلزات غیر آهنی
۱۳۲/۸	۱۳۷	۱۲۹/۹	۱۴۵/۷	۱۵۶/۸	۱۵۸/۵	۱۶۷/۷	۱۷۶/۵	مواد خام انرژی‌زا

۱- به دلار

۲- میانگین سالانه

